

در ادامه فعالیت های انتخاباتی انجام شد

# مناظره باصندلی خالی

حجت الاسلام رسایی به عنوان حامی دولت،

تنها مهمان این مناظره بود

**سرویس خبر:** روز یک‌شنبه سالن جابر دانشگاه، میزبان یک مناظره‌ی انتخاباتی بی‌سابقه بود: مناظره‌ای با صندلی خالی. حجت‌الاسلام رسایی تنها مهمان این برنامه بود که به نمایندگی از حامیان احمدی نژاد، به دفاع از عمل کرد دولت‌نهم پرداخت. مجری برنامه، در توضیح این شکل برگزاری مناظره گفت: «ما از نمایندگان کاندیداهای دیگر از جمله آقای آرمین و انصاری نیز برای شرکت در مناظره دعوت کردیم، اما هیچ کدام حاضر به مناظره نشدند.»

همچنین مجتبی عرب‌مازار از مسوولان بسیج دانش جویی شریف درباره‌ی اعتراض حامیان کرویوی درباره‌ی عدم دعوت از نماینده‌ی کرویوی به روزنامه‌ی شریف گفت: «ما بر اساس نظرسنجی از نماینده‌ی کاندیداهای با‌بخت بیشتر دعوت کردیم.» در این مناظره که به‌همت بسیج دانش جویی برگزار می‌شد، تریبون آزاد هم برقرار بود. در ابتدای جلسه گروهی از حامیان موسوی از جا برخاستند و جلسه را ترک کردند.

**سه‌دهه**

رسایی سخنانش را با اشاره به یک‌طرفه بودن میز مناظره شروع کرد و گفت: «معنی‌اش این است که طرف مقابل نمی‌خواهد میز دوطرفه باشد.» او با بیان این که با خبلی‌ها از جمله مصطفی تاج‌زاده و محمدعلی ابطحی مناظره کرده است، گفت: «با این حال فارغ از این مسایل، ما باید دوستی‌هایمان را حفظ کنیم. برای همین هم هست که نه من می‌پذیرم با آقای فاتح مناظره کنم، نه ایشان مناظره با من را می‌پذیرند.» وی با اشاره به این که شاید دو ماه قبل تصور دیگری از بعضی افراد که ۲۰ سال نبودند، داشته است، صحبت‌های اصلی خود را با مرور وضعیت کشور در سه دهه‌ی انقلاب آغاز کرد و گفت: «اکنون ۳۰ سال از انقلاب گذشته است.» رسایی ادامه داد: «در دهه‌ی اول انقلاب درگیر جنگ بودیم و آرمان‌گرایی و ارزش‌گرایی موج می‌زد.» او معتقد است که در آن دوره، گفتمان امام و خط امام، غالب بوده است. وی در ادامه گفت: «در آن دوره، وقتی کسی می‌خواست از غرب مطالبه کند، شرم نمی‌کرد. کسی شهیدرجایی را منتهم به گداپروری نکرد. در این دهه، قاعده این بود که هر کس مسوولیت‌اش بالاتر است، محرومیت‌اش هم باید بیشتر تر باشد. اعتقاد این بود که انقلاب باید به اقشار محروم بپردازد.» او سپس به ماجرای حضور شهیدرجایی در سازمان ملل اشاره کرد و گفت: «امام در آن زمان می‌گفت که در مجامع بین‌المللی باید هم از سخنان ما عصبانی شوند.» رسایی در ادامه با مقایسه‌ی جمهوری اسلامی ایران با پاکستان، گفت: «پاکستان هم

نوعی جمهوری اسلامی است، پس چرا آمریکا با آن مشکلی ندارد؟ چون به تعبیر رهبری، در پاکستان مغز جمهوری اسلامی نیست و فقط پوسته‌اش مانده.» او با بیان این که در دهه‌ی اول انقلاب شعار اصلی انتخابات، پیروی از ولایت بود، اضافه کرد: «ولی این شعار در دهه‌های بعد آرام آرام کمرنگ شد.» وی ادامه داد: «این نظام آزاد است، چون بدترین حرف‌ها را پشت تریبون‌ها می‌زنند؛ چه در قالب کاندیداتوری و چه در قالب غیر کاندیداتوری.»

بررسی دهه‌ی سازندگی موضوع ادامه‌ی صحبت‌های رسایی بود. او گفت: «در دهه‌ی دوم وارد فضای سازندگی بعد از جنگ شدیم، ولی برخی از شعارهای امام کمرنگ شد.» به عقیده‌ی او در این دوره، اشراف‌زدگی در میان مسوولان پروبال گرفت و ویژگی تعهد رنگ باخت. رسایی ادامه داد: «حتی من معتقدم اگر تعهد بیش تر باشد، سلامتی‌اش بیش تر است چون فرد متعهد می‌گوید اگر تخصص ندارم، کار را انجام نمی‌دهم.» این نماینده‌ی مجلس هشتم، با اشاره به این که جنگ با تعهد مدیریت شد، گفت: «رهبری می‌گفت که دولت سازندگی دولت پر کاری است، اما پر کاری‌اش در جیب یک عده‌ی خاص می‌رود.»

وی در ادامه‌ی صحبت‌هایش، دولت‌اصلاحات را ادامه‌دهنده‌ی روند غلط دولت قبل دانست و گفت: «این‌ها به جای اصلاح روش‌ها، به سراغ اصلاح اهداف رفتند. اصلاحاتی که با هدف پای‌بندی به قانون اساسی روی کار آمده بود، به علت تعریف‌های متضاد باعث شد این تعریف‌ها یک‌دیگر را خنثی کنند. به همین دلیل هم آقای خاتمی وقتی می‌خواست به‌صحنه برگردد گفت اول اصلاحات را تعریف می‌کنم.» رسایی با بیان این که یکی از کاندیداها گفته است که امروز پرداختن به فلسطین و حزب ا...، مساله‌ی اصلی مانیست، اضافه کرد: «۳۰ سال است که ما داریم هزینه‌ی روز قدس را می‌دهیم و حالا چه وقت چنین حرف‌هایی مطرح می‌شود؟

## جمله‌های کلیدی رسایی

- می‌پذیریم که یکی از علت‌های افزایش تورم، بی‌تدبیری های دولت بوده است.
- ۳۰ سال است که ما هزینه‌ی روز قدس را می‌دهیم.
- روزگاری شیوه‌ی شهیدرجایی اصل بود. کسی شهیدرجایی را به گداپروری متهم نمی‌کرد.
- امام می‌گفت که در مجامع بین‌المللی باید هم از سخنان ما عصبانی شوند.



وقتی که در جنگ‌های ۳۳روزه و ۲۲روزه توانسته‌ایم با صدور انقلاب به موفقیت برسیم.» او با بیان این که دولت نهم را برای اعتقاد دینی‌اش مسخره می‌کنند، گفت: «در حالی که امام می‌گوید انقلاب باید برای اداره‌ی دنیا برنامه داشته باشد.» این نماینده‌ی مجلس ادامه داد: «فرمانده سپاه فرمود که بخش نظامی بسیج نمی‌تواند وارد فضای انتخابات شود، ولی بخش فرهنگی‌اش می‌تواند. با این حال برخی به امام استناد می‌کنند که نظامیان نباید وارد فضای انتخاباتی شوند. این‌ها می‌گویند بسیجی حتی فکر نکند. مگر تفکر بسیجی چیست؟ «می‌شود و می‌توانیم» است.

نگاهش هم به خط و دهان رهبری است.»

او در ادامه با دفاع از عمل کرد دولت گفت: «از زمانی که مصرف سوخت هدفمند شده است، علی‌رغم افزایش جمعیت مصرف سوخت ثابت مانده است. پس معلوم می‌شود که پیش از این، سوخت به کشورهای هم‌سایه می‌رفت.» رسایی ادامه داد: «روزگاری شیوه‌ی شهیدرجایی برای ما اصل بود، ولی در دولت اصلاحات هم به قانون برنامه عمل نشد. بعضی آقایان در دوره‌ی خودشان، کارهای‌شان برای رای جمع کردن بود، در حالی که الان هدف این نیست.»

### اقتصاد جهان و اقتصاد ایران

پاسخ به پرسش‌های حاضران جلسه، در ادامه انجام شد. به گفته‌ی مجری برنامه، تنها دو نفر تقاضای سوال شفاهی کرده بودند که یکی از آنان پشت تریبون رفت و گفت: «به نظر من برخی تناقض‌گویی‌ها در سخنان آقای احمدی‌نژاد وجود دارد؛ مثلاً ایشان در جایی گفته بودند که بحران اقتصاد جهانی بر اقتصاد ایران تاثیر چندانی نخواهد داشت، اما اخیراً در توضیح علت افزایش تورم، بحران اقتصاد جهانی را یکی از دلایل آن عنوان کرده‌اند.» رسایی در پاسخ به این گفته، توضیح داد: «ایشان نگفته که هیچ تاثیری ندارد، بلکه در مقایسه با کشورهای منطقه گفته. مثلاً الان به دبی، که آن را مهد اقتصاد آزاد می‌دانند برپوید و ببینید که مرده است. منظور ایشان این بوده‌که در مقایسه با چنین جاهایی، تاثیری ندارد.» وی درباره‌ی علت‌افزایش تورم، ادامه داد: «خود مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرده است که در اثر سهمیه‌بندی سوخت، ۱۵ درصد افزایش تورم خواهیم داشت. یعنی فقط همین یک مورد، این همه تورم به وجود می‌آورد. علاوه بر آن، کارهای عمرانی در حجم وسیع، مشکلات اقتصادی جهانی، و در برخی موارد هم بی‌تدبیری‌های دولت باعث افزایش تورم شده است.»

## خبر

شماره‌ی چهارصد و هشتادوشش. سه‌شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۸۸

### یادداشت

## کاش انصاف رعایت می‌شد\*

**دکتر محمود بهمن‌آبادی\*\***

روایت است، حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> هنگام وداع این جهان، خلوتی با خدای خویش داشت و این دعا می‌کرد: « خدایا به حق پدرم (پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>) و اشتیاقی که به من داشت، خدایا به حق همسرم (علی<sup>(ع)</sup>) و خدایا به فرزندانم حسن و حسین و به حق دخترانم بر گنہ‌کاران این امت رحم کن!»

آنچه باعث شد این نامه را بنویسم بیانیهِی اخیر ۱۲۵ نفر از استادان دانشگاه در مورد انتخابات ریاست جمهوری است و تأکید بعضی‌ها برای تأیید آن توسط بقیه‌ی اعضای هیات علمی می‌باشد. در دنیای پرتلاطم فعلی و انواع تشکیکات و شبهات، بیان دقیق و خرده‌ها بهترین روش مواجه نشدن با ملامت و نکوهش دیگران، بالاخص خدای رحمان و رحیم است. نگوئشی که باعث شرم‌ساری و نداشتن پاسخ در پیشگاه حق خواهد بود.

من یک معلمم. وقتی برگه‌های امتحانی دانش‌جویانم را تصحیح می‌کنم تنها نانوشته‌ها و یا پاسخ‌های اشتباه را نمی‌بینم بلکه نوشته‌های درست را هم می‌بینم و در مجموع، نمره‌ی ردّی یا قبولی به دانش‌جویم می‌دهم. حال من یک سؤال دارم: آیا در بیانیهِی یاد شده به تمام جوانب پرداخته‌اند؟ تمام عمل کرد چهارساله‌ی دولت نهم را مورد توجه قرار داده‌اند؟ آیا کارنامه‌ای که صادر شده متناسب با عمل کرد چهارساله‌ی دولت بوده؟ چیزی فراموش نشده؟ آیا تمام تعریف و تمجید رهبر معظم انقلاب از دولت نهم بی‌جا و دروغ بوده؟ آیا‌های متعدد دیگر. آیا بهتر نبود بیانیهِی استادان کمی متفاوت با بیانیهِهای کلیشه‌ای باشد؟ آیا بهتر نبود کارنامه‌ای صادر می‌شد که تمام ضعف‌ها و قوت‌های دولت ارایه می‌شدو سپس با وزن دادن به موارد مختلف نمره‌ای به هر مورد داده می‌شد و در انتها معدل دولت در می‌آمد و بعد این داوران امضاکننده‌ی بیانیهِه رصلاحیت دولت را اعلام می‌نمودند؟

در این بیانیهِه تلویحاً عدم صلاحیت دولت را اعلام و همه‌ی مردم را تشویق به رای ندادن به دولت نهم کرده‌اند. آیا صد در صد مطمئن‌اند و هیچ شکّی در این مطلب ندارند؟

روایت است که پیامبر اکرم (ص) روزی با اصحاب خود بر خرابه‌ای می‌گذاشتند. لاشه‌ی حیوان مرده‌ای را دیدند. هر کس نفرت خود را به صورتی از آن بیان کرد. اما حضرت فرمودند چه دندان‌های زیبایی دار!

راست یا ناراست بودن این روایت مهم نیست؛ اما درس آن این است که ارایه‌ی همه‌ی ویژگی‌ها مهم است، نه انتخاب و گزینش هر آن‌چه دوست داریم.

در پیشگاه حق، ما را به آن‌چه کرده‌ایم بازخواست می‌کنند. پوشش خوبی‌ها، خود گناهی نابخشودنی است. من معتقدم برای روشن شدن اذهان ارایه‌ی دقیق مهم است. دقیق صحبت کردن چیزی است که پسند همه است. من توصیه می‌کنم شبی را با خود و خدای خود خلوت کنیم. انواع سؤال‌های ممکن را یادآوری کنیم. ببینیم می‌توانیم پاسخ‌گوی سؤال‌های خود باشیم؟ این تازه سؤال‌های خود ماست. گمان نمی‌رود ممکن است سؤال‌های دیگری هم باشد که به ذهن ما نیامده و نتوانیم به آن‌ها پاسخ دهیم؟ ما حتماً بارها در سی را داده‌ایم که فکر می‌کنیم تسلّط کاملی به آن داریم اما ناگهان با سؤالی از سوی دانش‌جویان مواجه می‌شویم که برای پاسخ به آن آمادگی نداریم. موضوع همین است!

هنگام نگارش این نامه ناگهان به خود گفتم نگاه کن به قرآن ببینداز م‌و از آن استمداد بگیرم. اولین صفحه‌ای که گشوده شد سوره‌ی مبارکه‌ی جاثیه بود و چشمم به آیه‌ی ۱۷ آن افتاد. می‌فرماید: «و از کار (دین) روشنگری‌ها به ایشان دادیم و اختلاف پیشه نکردند مگر پس از آن که علم(وحی) بر ایشان نازل شد، آن‌هم از روی رشک و رقابتی که در میان خود داشتند؛ بی‌گمان پروردگارت در روز قیامت در میان آنان در آن‌چه اختلاف داشتند داوری خواهد کرد.» بیاییم قبل از این که برای مان داوری شود، خود‌داور خویش باشیم. آیا این آیه‌ی شریفه‌ی قرآن نیست که می‌فرماید: «انسان عجز و شتاب‌زده است. آیا موسی(ع) به خاطر شتاب‌زدگی‌اش برای اعمالی که حضرت خضر (ع) انجام می‌داد چندین و چند بار خود را ملامت نکرد. خدایا لحظه‌ای، آنی ما را به خودمان وامگذار.»

بالاخره نکته‌ی اساسی من این است که اگر انصاف در کلام راسرلوحه‌ی زندگی خود قرار دهیم، هیچ‌گاه ملامتی بر ما نخواهد بود و بگناریم چیزی را به خود مردم ندهیم که در پاسخ آن به‌مانیم. در انتها توفیق ایران اسلامی را از خداوند متّان خواهیم‌اگر و اگر جسارتی در کلام بود مرا عفو کنید و به دل نگیرید.

\* انتخاب تیتراژ روزنامه‌ی شریف

\*\* عضو هیئت علمی دانشکده‌ی فیزیک

کارت دانش جویی اینجناب
<b>مهدی غازیانی</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۱۱۵۶۰۱۸در تاریخ ۸۸/۱/۱۵
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>حمید حامد</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۲۳۶۸۰۷۱در تاریخ ۸۸/۲/۳۰
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>آرمین صادقی ینگجه</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۲۳۱۰۸۷۱در تاریخ ۸۸/۲/۳۱
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>عارفه شرافتی</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۱۳۰۵۱۶۹در تاریخ ۸۸/۱/۳۰
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>مونا آهنی</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۳۱۰۸۷۱در تاریخ ۸۸/۳/۱۰
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>حسن ازوجی</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۲۱۹۰۴۷۳در تاریخ ۸۸/۲/۱۹
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>علی اکبر صادقی پور</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۷/۱۲/۲۰۷۸۱۴۲۹۰۱در تاریخ ۸۷/۱۲/۲۰
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>زهر ا فیروزی</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۳/۱۶۸۵۲۰۸۹۹۴در تاریخ ۸۸/۳/۱۶
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>مهدخت ارشدی</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۲/۲۰۸۷۱۰۰۴۰۷در تاریخ ۸۸/۲/۲۰
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>سیامک خیاطی</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۲/۲۰۸۷۱۰۳۱۹۴در تاریخ ۸۸/۲/۲۰
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>مجید احمدی طهرانی</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۲/۳۱۰۸۶۱۰۰۲۶۸در تاریخ ۸۸/۲/۳۱
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش جویی اینجناب
<b>ماهور رحیمی</b>
به شماره‌ی دانش جویی ۸۸/۳/۱۰۸۷۱۰۹۷۶۴در تاریخ ۸۸/۳/۱۰
گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.